

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۲/۱۶

نویسنده: شېر خان یحیی

## جاده شېر شاه سوري - لاجورد و اهمیت جیوپولیتیکی و جیوایکونومیکی ان

خوانندگان گرانقدر!

جهت معلومات و اهمیت شاهراه لاجورد مطلب جالب را از فیسبوک انتخاب نموده و خدمت شما پیش کش می نمایم  
نبیل عزیزی



سر هالفورد مک کیندر یکی از بانیان دسپلین جیوپولیتیک و پدر جیوپولیتیک بریتانیا میباشد. وی در یک بیانیه بسیار مشهور خود بنام *The Geographical Pivot of History* در *Royal Geographical Society* در لندن در سال ۱۹۰۴ اروپا و آسیا را بنام جزیره جهانی یاد نمود که قسمت اعظم منابع طبیعی و نفوس جهان را دارا میباشد. قلب این جزیره جهانی از اروپای شرقی و شمال آسیا تشکیل گردیده است که وی انرا بنام *Heartland* و یا بیضوی ستراتیژیک یا *Strategic Ellipse* که قسمت اعظم ان را اتحاد جماهیر شوروی را در بر میگیرد. هارت لیند محاط به نیم دایره درونی *Iner or Marginal Crescent* میباشد که این نیم دایره شامل کشور های المان، ترکیه، ایران، افغانستان، هند و چین میباشد. در حالیکه کشور های امریکای شمالی و جنوبی، انگلستان، جاپان، استرالیا، آفریقای جنوبی و نیوزیلاند به شکل یک نیم دایره غیر منظم این جزیره جهانی را احتوا نموده که این کشور های قدرت های بحری و مربوط نیم دایره درونی و یا *Outer or Insular Crescent* میباشد.

در تیوری هارت لیند مک کیندر فرق عمده بین کشور های *Tellurocratic* و *Tallasocratic* وجود دارد. قدرت های بحری همیشه تمرکز بالای سواحل دارند و کوشش آنها بر انست که عمیق داخل کدام کشور نشوند چون بحریه آنها از آنها حمایت کرده نمی تواند. برای آنها کافی است که تجارت و راه های تجارتی را کنترل نمایند و از آن استفاده ستراتیژیک نمایند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی

بنظر مک کیندر یکی از پرابلم های عمده که هارت لیند با آن مصاب میباشد نداشت سواحل مساعد برای تجارت میباشد. به یک نظر سطحی به نقشه زمین این نظر مک کیندر را درست ثابت میسازد. اما وی خود متوجه میشود و میگوید که سر زمین پهناور یوراشیا میتواند از راه ساختن خطوط آهن و جاده ها تجارت خود را زمینی انکشاف دهد. ساختن خط آهن برلین بغداد و یا ماسکو و ولادی وستوک و یا راه نو ابریشم چینیایی و یا راه لاجورد افغانی با مثال تاریخی که عبارت از شاهراه شبر شاه سوری از کابل تا کلکته میباشد.

قدرت دریایی به تمام معنی آنوقت بریتانیا بزرگ بود، در حالیکه روسیه و بعداً اتحاد جماهیر شوروی هارت لیند را تصاحب نموده بود و این باعث کشمکش بزرگ بنام **The Great Game** یا بازی بزرگ گردید که ادامه آن به شکل جنگ سرد تا به امروز ادامه دارد و هیچ وقت خاتمه نیافت.

در سال ۱۹۱۹ مک کیندر تیوری هارت لیند خود را انکشاف داد و مدعی گردید که یوراشیا از طرف غرب به آسانی زیر تهدید گرفته میتواند.

از طرف جنوب کوه های هندوکش، زاگروس و قفقاز مانع عبور به هارت لیند میشوند در حالیکه از طرف شمال بحر منجمد شمالی، از طرف شرق طی نمودن فواصل بسی دور و دراز سد راه هر قوه نظامی شده میتواند. فقط راه آسان معبر غربی به این خطه میباشد.

این معبر غربی نه تنها راه به یوراشیا است بلکه به یوراشیا نیز امکان دست یافتن به سواحل بزرگ جهان ممکن میسازد. مک کیندر راجع به اروپای شرقی میگوید:

کسی که اروپای شرقی را در دست دارد، بالای هارت لیند حاکمیت دارد، تسلط بر هارت لیند به معنی جاکمیت بر جزیره جهانی است، کس که جزیره جهانی را در اختیار دارد بر دنیا حاکمیت دارد!

مک کیندر در سال ۱۹۴۳ برای بار سوم تیوری خود را انکشاف داد. در آن زمان بریتانیا کبیر جز تاریخ گردیده بود و ایالات متحد امریکا به سرعت جانشین آن گردید. **Nicholas Spykman**، یک پروفیسر امریکائی تیوری خود را بنام **Rimland** بر افکار مک کیندر بنا نمود و برعکس مک کیندر ادعا نمود که هارت لیند بخودی خود آنقدر ها مهم نیست بلکه کنترل اطراف یا **Rimland** هارت لنڈ قابل اهمیت به سزای میباشد.

براساس همین تیوری بود که بعد از جنگ دوم جهانی دو کشور بی هویت و بدون تاریخ و سرزمین ظاهراً بنام دین و مذهب اما در حقیقت برای بوجود آوردن تشنجات در اطراف یوراشیا بنام پاکستان و دومی بنام اسرائیل در نقشه جهان غرض و جود نمودند.

افغانستان که بعد از خروج بریتانیا و اضمحلال هند برتانوی تازه از بازی بزرگ مرگبار نجات یافته بود قربانی همین تیوری امپریالیستی گردید که از برکت آن طالب و ایخوان و انواع مختلف دلالان مذهبی امرار معاش مینمایند

بر اساس همین تیوری سیاست خارجی امریکا بصورت عمده سد ساختن یوراشیا در اطراف این خطه بزرگ جغرافیائی میباشد که مشهورترین آن ستراتیژی سد ساختن یا **Containment** میباشد.

یک مشاهده سطحی نقشه پایگاه های امریکائی در جهان به وضاحت سد ساختن یا **Containment** هارت لیند را نشان میدهد. عقد قرار داد های ستراتیژیک ایالات متحده امریکا با کشور های مختلف نیز نمایانگر سد ساختن هارت لیند میباشد، مثلاً بوجود آوردن سازمان اتلانتیک شمالی یا ناتو در سال ۱۹۴۹ از طرف غرب، **JapanSecurity Treaty** ۱۹۵۱ از طرف شرق، **Southeast Asia Treaty Organisation** سال ۱۹۵۴ از طرف جنوب و **Middleeast Treaty Organisation** سال ۱۹۵۵ از طرف جنوب غرب برای همین هدف بود

## اعمال ستراتیژی های **Containment** و **Roll Back**

روسیه از طرف غرب سخت در محاصره گرفته است: استونیا، لیتوانیا، لیتوانیا، پولیند، سلواکیه، مجارستان رومانیه و بلغاریه را بین سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۴ داخل سازمان اتلانتیک شمالی ساختند.

از تقریباً یکصد و اندی سال به اینسو کشور های انگلوساکسن، در ابتدا بریتانیا کبیر و بعداً ایالات متحده امریکا به تمام قوای خود کوشش مینمایند تا انسیاتیف ستراتیژیک را از دست ندهند و نگذارند که یک اتحاد کشور های **Tellurocracy** یا قدرت های زمینی و یا یک محور پاریس، برلین، ماسکو و بیجینگ بوجود آید. برای جلوگیری از بوجود آمدن همین محور بود که **Georg Friedman** رئیس **STRATFOR** در سال ۲۰۱۵ در **THE CHICAGO COUNCIL OF GLOBAL AFFAIRS** پیشنهاد یک **CORDON SANITAIRE** را که از کشور های پولیند، مجارستان، رومانیه و بلغاریه، یعنی از بحیره شرقی تا به بحیره سیاه و خارج از چوکات ناتو، نمود تا محور در بالا ذکر شده بین قوت های زمینی یوراشیا و یا فرانسه و آلمان با روسیه، آنهم در حال که در شرق یوراشیا این اتحاد بین بیجینگ و ماسکو بمیان آمده است، امکان پذیر نگرند.

بارک اوباما نیز در زمان ریاست جمهوری خود سد ساختن یوراشیا را به مقیاس جهانی و اما توسط بوجود آوردن اتحادیه های آزاد تجارت در چار چوب همین تیوری قدم برداشت:

قرار داد TPP TRANS PACIFIC PARTNERSHIP بین ایالات متحده امریکا، جاپان، ویتنام، استرالیا، مالیزیا، فیلیپین، و چند کشور دیگر اما بدون چین، و

## TTIP TRANSATLANTIC TRADE AND INVESTMENT PARTNERSHIP

بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا اما بدون روسیه، هم TTIP و هم TPP هر دو کوشش های ایالات متحده امریکا برای منزوی ساختن یوراشیا از راه ساختن اتحادیه ازاد تجارتي در اطراف این خطه زمین میباشد که تا حال هر دو ان به ناکامی مواجه گشته اند.

و اما عکس العمل کشور های عمده یوراشیا در قبال ان چیست؟:

چین نیز مانند آلمان ها و روس ها در صد سال پیش برای نجات یافتن از انحصار راه های بحری توسط بریتانیا از راه خشکه و ساختن شاهراه ها و خطوط آهن برلین - بغداد و ماسکو - ولادی و استوک که انحصار دریائی انگلیس را در هم شکست، به ساختن راه ابریشم نو و یا THE NEW SILK ROAD که مک کیندر از آن وحشت داشت پرداختند تا انفراسترکچر کشور های یوراشیایی و تجارت از راه خشکه و نجات از راه انحصار شده بحری توسط ایالات متحده امریکا یابند .

## ما چرا این تیوری ها و جهات عملی انرا در اینجا تشریح نمودیم؟

کشور ما افغانستان یک مملکت محاط به خشکه است که تجارت آن بصورت از سال های متمادی به اینسو از راه بحر و بندر کراچی پاکستان صورت میگردد .

افغانستان در نقطه تقاطع دو جاده جیو اکونومیک و همچنان جیو ستراتیژیک قرار گرفته است. این دو جاده عبارتند از جاده کابل و کلکته و یا شاهراه شیر شاه سوری در شرق و دو دیگر شاهراه تازه افتتاح شده لاجورد در شمال کشور است . افغانستان کشوریست که بزبان جیو پولتیکی ۵۰ در صد آن مربوط قوای بحری و ۵۰ در صد از قوای زمینی شمرده میشود. یعنی این کشور نه تنها دروازه محسوب میگردد برای قوای زمینی به هندوستان بلکه معبر برای آسیای مرکزی و قلب یوراشیا نیز میباشد.

افغانستان با عضویت دو گانه خود در سازمان های سارک و ایکو حیثیت یک پل را دار میباشد که قابلیت وصل نمودن آسیای جنوبی را به آسیای مرکزی و اروپا را دارا میباشد. اما این دولت پاکستان است که بنا بر مخاصمت خود با هندوستان مانع آن میگردد که داد و ستد اقتصادی اضافه تر از دو میلیارد انسان از طریق افغانستان صورت گیرد .

افغانستان، هندوستان و پاکستان، هر سه، عضویت سازمان تجارت جهانی و یا WTO را دار میباشد و ما میتوانیم با کمک این سازمان این معضله را هموار بسازیم .

## بنظر ما پاکستان دو راه را در پیش خواهد داشت :

پرداخت جرایم بی اندازه گزاف به کشور های عضو ایکو و سارک ، که قابلیت پرداخت آنرا هیچ وقت به هیچوجه نخواهد داشت و یا پیوستن به شاهراه شیرشاه سوری - لاجورد .

که امکان دوم بنظر ما ریالست است .

نوت :

جاده شیر شاه سوری به درازی ۲۵۰۰ کیلو متر از Chittagong بنگله دیش شروع و در کابل خاتمه میباشد . این جاده اولین شاهراه هندوستان است که از طرف پادشاه افغان ، شیر شاه سوری در قرن ۱۶ عیسوی ساخته شده است

شاهراه لاجورد از طرف شمال کشور به ترکمنستان ، بحیره کسپین ، ازربایجان و گرجستان به بحیره سیاه و از انجا به اروپا میرسد .

وصل شدن این دو شاهراه میتواند بنگله دیش و برما و یا جنوب شرق آسیا را با اروپا ، از راه افغانستان وصل نماید که بدین صورت یکی از مهمترین شاهراه های دنیا خواهد بود .